

Regulation of Online Businesses in Iran from the Perspective of Economic Analysis of Law

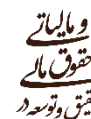


Hamid
Ghahvehchian

PhD Graduate, Public Law, University of
Tehran, Tehran, Iran
hamidgh1365@gmail.com

Received: 2026-06-21

Accepted: 2026-08-16



Journal of Research and Development
in Financial and Tax Law
Iranian Law and Legal Research
Institute

Abstract

The expansion of online businesses and the increasing scope of regulatory interventions in the national economy have made the assessment of the efficiency of such interventions one of the significant legal, economic, and governance-related issues. Employing an economic analysis of law approach, the present study examines the desirability of regulating online businesses in Iran. The research method is descriptive-analytical, based on library research and conceptual modeling. The theoretical foundation of the study rests on market failure theory, the Pareto and Kaldor-Hicks efficiency criteria, and wealth-maximization theory. The article's principal finding is that the desirability of

Journal of Research and Development
in Financial and Tax Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring & Summer 2026

(Original Article)

www.jftl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jftl.2026.2092255.1014

regulation can be framed on the basis of a comparison between two categories of costs : first, the social costs arising from digital market failure, and second, the economic costs arising from regulatory intervention—each of which comprises its own set of components. On this basis, while elucidating the most significant components affecting each of these two categories of costs, the article offers a conceptual framework for assessing the desirability and efficiency of regulating online businesses.

Keywords: economic analysis of law, regulation, online businesses, efficiency, cost-benefit analysis



تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین در ایران از منظر تحلیل اقتصادی حقوق

حمید قهوه‌چیان 

دانش آموخته دکتری، حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

hamidgh1365@gmail.com



تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

چکیده

گسترش کسب‌وکارهای آنلاین و افزایش مداخلات تنظیم‌گرانه در اقتصاد کشور، ضرورت ارزیابی کارایی این مداخلات را به یکی از مسائل مهم حقوقی، اقتصادی و نیز حکمرانی تبدیل کرده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق، به بررسی مطلوبیت تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین در ایران می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و مدل‌سازی مفهومی است. مبنای نظری پژوهش بر نظریه شکست بازار، معیارهای کارایی پارتو و کالدور - هیکس و نظریه حداکثرسازی ثروت استوار است. یافته اصلی مقاله آن است که مطلوبیت تنظیم‌گری را می‌توان بر مبنای مقایسه دو دسته هزینه صورت‌بندی کرد: نخست، هزینه‌های اجتماعی ناشی از شکست بازار دیجیتال و دوم، هزینه‌های اقتصادی ناشی از مداخله تنظیم‌گرانه که هر کدام نیز، مؤلفه‌هایی دارند.

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق مالی و مالیاتی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۵

(مقاله پژوهشی)

www.jftl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jftl.2026.2092255.1014

براین اساس، مقاله ضمن تبیین مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر هر یک از این دو دسته هزینه، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی مطلوبیت و کارایی تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل اقتصادی حقوق، تنظیم‌گری، کسب‌وکارهای آنلاین، کارایی، تحلیل هزینه - فایده.

مقدمه

گسترش اقتصاد دیجیتال و ظهور کسب‌وکارهای آنلاین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات ساختاری در نظام‌های اقتصادی مربوطه به دهه‌های اخیر قلمداد می‌شود.^۱ کسب‌وکارهای آنلاین با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و اثرات شبکه‌ای به بازیگران اصلی در بسیاری از بازارها تبدیل شده‌اند و نقش قابل توجهی در رشد اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که در ماده ۶۴ قانون برنامه هفتم پیشرفت پیش‌بینی شد سهم اقتصاد دیجیتال در تولید ناخالص داخلی به حدود ۱۰ درصد نیز برسد. بااین‌حال، مسیر توسعه کسب‌وکارهای آنلاین در ایران صرفاً با چالش‌های متعارف اقتصاد دیجیتال مواجه نیست، بلکه تحت‌تأثیر ساختارهای نهادی و ویژگی‌های حکمرانی کشور، با موانع مضاعفی روبه‌رو است در این میان، مقاومت برخی بازیگران سنتی بازار در برابر تحول دیجیتال و تلاش برای حفظ مزیت‌های اقتصادی موجود،^۲ از یک سو و مداخلات و محدودیت‌های غیرمتناسب

^۱ به منظور تبیین مفهومی و بر اساس تحلیل نویسنده، میان سه اصطلاح «اقتصاد دیجیتال»، «کسب‌وکارهای آنلاین» و «تجارت الکترونیکی» باید قائل به تفکیک شد. در ادبیات حقوقی و اقتصادی، «اقتصاد دیجیتال» مفهومی عام و فراگیر است که کلیه فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر فناوری‌های دیجیتال، از جمله زیرساخت‌های ارتباطی، داده، هوش مصنوعی، خدمات پلتفرمی، دولت الکترونیک و مبادلات برخط را در بر می‌گیرد. در درون این مفهوم، «کسب‌وکارهای آنلاین» به آن دسته از بنگاه‌ها و مدل‌های تجاری اطلاق می‌شود که ارائه کالا یا خدمت، ایجاد ارزش و تعامل با کاربران را عمدتاً از طریق بستر اینترنت و فناوری‌های دیجیتال انجام می‌دهند. «تجارت الکترونیکی» نیز در معنای خاص‌تر، بخشی از کسب‌وکارهای آنلاین محسوب می‌شود که محور اصلی آن انعقاد، اجرا و پشتیبانی از معاملات کالا و خدمات از طریق ابزارهای الکترونیکی است. بنابراین، از حیث گستره مفهومی، تجارت الکترونیکی زیرمجموعه کسب‌وکارهای آنلاین و کسب‌وکارهای آنلاین نیز یکی از اجزای اصلی اقتصاد دیجیتال به شمار می‌آیند؛ به‌گونه‌ای که هر تجارت الکترونیکی یک کسب‌وکار آنلاین است، اما هر کسب‌وکار آنلاین الزاماً در قالب تجارت الکترونیکی فعالیت نمی‌کند و هر دو در قلمرو وسیع‌تر اقتصاد دیجیتال قرار می‌گیرند.

^۲ به عنوان نمونه، با آغاز فعالیت تاکسی‌های اینترنتی در ایران، رانندگان تاکسی و آژانس‌های سنتی در سال ۱۳۹۵ با برگزاری تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی و طرح شکایت نزد مراجع ذی‌ربط، نسبت به فعالیت اسنپ و تپسی اعتراض کردند. این اعتراضات که به‌طور گسترده در رسانه‌های داخلی از جمله ایسنا، ایرنا، فارس و تسنیم بازتاب یافت، از نخستین نمونه‌های تعارض میان نوآوری‌های پلتفرمی و ذی‌نفعان سنتی در اقتصاد دیجیتال ایران محسوب

ناشی از رویکردهای غیرمنعطف و از بالا به پایین دولت به عنوان اهرمی الزام‌آور،^۱ از مهم‌ترین عوامل منفی بر محیط فعالیت و رشد این کسب‌وکارها به شمار می‌آیند. از سوی دیگر، در نظام حقوقی ایران، گفتمان - امنیت^۲ نقش قابل توجهی در شکل‌گیری سیاست‌گذاری‌ها و نحوه تنظیم‌گری ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که کارایی اقتصادی، توسعه نوآوری و تسهیل فضای کسب‌وکار در بسیاری از موارد تحت سایه گفتمان امنیت، به حاشیه می‌رود.

این مقاله با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق، تلاش می‌کند تنظیم‌گری را نه صرفاً به‌عنوان یک ابزار حقوق اداری یا حقوق عمومی، بلکه به‌عنوان نهادی اقتصادی در پیوند با «کارایی»، مورد بررسی قرار دهد. براین اساس، پرسش اصلی مقاله این است که: با توجه به مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، الگوی مطلوب تنظیم‌گری (به معنای عام) کسب‌وکارهای آنلاین در ایران با چه سازوکاری باید ارزیابی شود و آیا مداخلات تنظیم‌گرانه موجود از منظر کارایی اقتصادی قابل دفاع است؟» مقاله در پی آن است که با عبور از نگاه

می‌شود. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به خبری با تیتراژ «تجمع علیه «اسنپ» و «تپسی» مقابل مجلس» در تاریخ دوم اسفند ۱۳۹۵ به شماره کد خبر ۶۶۹۵۳۰ در سایت تابناک، از نمونه‌های این تقابل می‌باشند.

^۱ برای مثال، در آبان ۱۴۰۳، تعلیق اینماد و توقف موقت درگاه‌های پرداخت دیجی‌کالا به درخواست نهادهای مسئول مبارزه با قاچاق کالا و از طریق مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، نمونه‌ای از اعمال ابزارهای الزام‌آور تنظیم‌گری بر یک سکوی بزرگ دیجیتال بدون توجه به تناسب برخورد بود. این اقدام که با واکنش دیجی‌کالا درباره نحوه اعمال محدودیت و آثار آن بر کسب‌وکارهای فعال در این سکو مواجه شد، نمونه‌ای از چالش میان ضرورت اجرای الزامات نظارتی و لزوم تنظیم‌گری پیش‌بینی‌پذیر و متناسب در اقتصاد دیجیتال است. برای دیدن خبر و جزئیات بیشتر نگاه کنید به خبرگزاری پیوست در تاریخ ۱ آبان ۱۴۰۳ در این لینک: <https://pvst.ir/i9f>

^۲ «گفتمان امنیت» در دو ساحت برجسته، واجد پیامدهایی است که می‌تواند در تعارض با الزامات توسعه سیاسی و نهادی قرار گیرد. از یک‌سو، این گفتمان با تقویت فویبای آشوب و اولویت‌بخشی به امنیت داخلی، به گسترش منطق کترلی در اداره جامعه و محدودسازی فضای مشارکت و نوآوری منجر می‌شود و از سوی دیگر، نگرانی از تضعیف استقلال در عرصه بین‌المللی را تشدید می‌کند. برآیند این دو ساحت، شکل‌گیری وضعیت «انسداد نهادی» در ساختارهای اجتماعی و حکمرانی است؛ به‌گونه‌ای که ظرفیت نظام برای اصلاحات تدریجی و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای کاهش می‌یابد. در ادبیات توسعه، این انسداد به‌عنوان یکی از موانع اصلی تحقق برنامه‌های توسعه‌ای شناخته شده است. (رضایی، ۱۳۹۴: ۲۹۲)

صرفاً توصیفی به قوانین، به سطحی تحلیلی و انتقادی از سیاست‌های تنظیم‌گری در اقتصاد دیجیتال دست یابد.

از نظر نویسنده، این مقاله در زمره مطالعات میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرد که در تقاطع دو حوزه «حقوق اقتصاد بخش عمومی» و «تحلیل اقتصادی حقوق» شکل گرفته است. تفاوت اصلی این دو رویکرد در سطح تحلیل و تمرکز روش‌شناختی آن‌هاست. حقوق اقتصاد بخش عمومی، بیشتر می‌کوشد منطق حقوقی حاکم بر مداخله دولت در اقتصاد را تبیین و بهینه‌سازی کند. در مقابل، تحلیل اقتصادی حقوق بر پیامدها و آثار قواعد حقوقی در سطح خرد متمرکز است و رفتار بازیگران حقوقی و اقتصادی را در واکنش به این قواعد، با ابزارهای اقتصاد خرد و نظریه‌های انگیزشی تحلیل می‌کند. همچنین این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی با رویکرد میان‌رشته‌ای حقوق و اقتصاد است و با بهره‌گیری از روش مدل‌سازی مفهومی، به تبیین و سنجش مطلوبیت تنظیم‌گری در حوزه کسب‌وکارهای آنلاین می‌پردازد.

از آنجاکه «تنظیم‌گری غیرضروری» هزینه مشهودی را به جامعه تحمیل و فرایند تولید و کسب‌وکار را مختل می‌کند این سؤال قابل طرح خواهد بود که با چه رویکردی بین مداخله و کنترل رفتارهای اقتصادی و تحقق اهداف اجتماعی دیگر تعادل برقرار کنیم. چنین سؤالی، توجه نویسنده دیگری را نیز به خود معطوف داشته که «اگر چه تنظیم‌گر از طریق ابزارهای حقوقی درصدد تحقق اهداف کلی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، اما آیا این ابزارها به طور مناسب مورد استفاده قرار می‌گیرند؟» (شیروی، ۱۴۰۳: ۱۰۸) پیش‌فرض اصلی این مقاله آن است که مقررات اقتصادی و تنظیم‌گری کارآمد باید مبتنی بر تحلیل هزینه‌فایده باشد و مشروعیت و مطلوبیت مداخله دولت در بازار را نمی‌توان صرفاً بر مبنای اهداف سیاستی یا ملاحظات اداری توجیه کرد. براین اساس، هرگونه مداخله تنظیمی زمانی قابل دفاع است که منافع حاصل از آن، از جمله افزایش رفاه عمومی، حمایت از مصرف‌کنندگان، کاهش شکست‌های بازار و ارتقای رقابت، بر هزینه‌های تحمیل‌شده به فعالان اقتصادی، نوآوری، سرمایه‌گذاری و مبادلات اقتصادی غلبه داشته باشد.

۲- چارچوب مفهومی و حقوقی تنظیم‌گری در ایران

تنظیم‌گری نوعی مداخله در سازوکار بازار و روابط آزادانه اشخاص و کسب‌وکارها در جامعه است. دولت‌ها عمدتاً با استناد به سه دلیل در امور کسب‌وکار دخالت می‌کنند؛ الف- برای تصحیح ناکارآمدی و شکست بازار، ب- تحقق عدالت توزیعی و ج- ایفای نقش پدرمآبانه دولت. از آنجاکه این مداخلات عمدتاً از طریق ضابطه‌گذاری، مجوزدهی و نظارت‌های پسینی انجام می‌شود بررسی موضوع در حوزه تخصصی حقوق اقتصادی و حقوق عمومی قابل طرح است. (همان: ۱۰۸) تنظیم‌گری در معنای خاص (و نیز در معنایی که در این مقاله بکار رفته است) به مقررات‌گذاری، تعیین الزامات و استانداردها، اعطای مجوز یا پروانه، نظارت بر اجرای ضوابط و الزامات و استانداردها و نهایتاً رسیدگی به شکایات و تخلفات آنها است. در این مقاله، منظور از «تنظیم‌گری»، صرفاً تنظیم‌گری دولتی (Government Regulation) به عنوان مداخله آگاهانه و نهادی دولت در هدایت، کنترل و سامان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی است و نه سایر اشکال تنظیم‌گری نظیر خودتنظیم‌گری (Self-regulation)، تنظیم‌گری مشترک (Co-regulation) یا سازوکارهای صرفاً بازارمحور.

با نگاهی به حقوق کسب‌وکارها در ایران می‌توان گفت عمده تنظیم‌گری بازارها در بخش‌های مختلف از طریق نهادهای تخصصی دولتی و حاکمیتی اعمال می‌شود؛ به گونه‌ای که در حوزه جلوگیری از اخلاف در رقابت، شورای رقابت با اختیارات و ساختاری منسجم ایفای نقش می‌کند،^۱ ۰۰۲۰ (وفق قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ماده ۵۳)، در بخش پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نقش محوری در تنظیم‌گری و نظارت دارد (وفق قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲)، در حوزه سلامت و فرآورده‌های غذایی و دارویی، سازمان غذا و دارو مسئولیت اصلی را بر عهده دارد (وفق قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی، مواد خوردنی و آشامیدنی، ۱۳۳۴)، و در حوزه

^۱ وفق ماده ۵۳ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

استاندارد و کیفیت کالاها، سازمان ملی استاندارد ایران (وفق قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد، ۱۳۹۶) ایفای نقش می‌کند. همچنین در بخش ارتباطات و خدمات دیجیتال و مخابراتی، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (وفق تبصره ۳ ماده ۸ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۱۳۸۲؛ اساسنامه سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی) به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر اصلی شناخته می‌شود. در بازارهای مالی و سرمایه نیز تنظیم‌گری از طریق سازمان بورس و اوراق بهادار (وفق قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران) و در حوزه بیمه از طریق بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران (وفق قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری، ۱۳۵۰) اعمال می‌گردد. افزون بر این، در حوزه تجارت و کسب‌وکارهای آنلاین نیز وزارت صنعت، معدن و تجارت و زیرمجموعه‌های آن، از جمله مرکز توسعه تجارت الکترونیکی (مجری نظام اینماد) (وفق دستورالعمل اعطای نماد اعتماد الکترونیکی فعالیت کسب‌وکارهای اینترنتی)، نقش مهمی در صدور مجوزها و تنظیم دسترسی به زیرساخت‌های پرداخت و اعتماد الکترونیکی ایفا می‌کنند. همچنین در حوزه مقابله با تخلفات سازمان‌یافته اقتصادی و زنجیره‌های غیررسمی توزیع، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز (وفق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی) نقش نظارتی و هماهنگی میان دستگاهی دارد. این تنوع نهادی نشان می‌دهد که تنظیم‌گری دولتی در ایران ماهیتی چندلایه، بخشی و مضاعف داشته و هر حوزه اقتصادی تحت نظارت یک یا چند نهاد تخصصی قرار دارد. علاوه بر تنظیم‌گری دولتی، دو سطح دیگر از تنظیم‌گری نیز در نظام حقوقی ایران قابل شناسایی است. تنظیم‌گری صنفی و حرفه‌ای از طریق نهادهایی چون اتاق بازرگانی، اتحادیه‌های صنفی نظیر، اصناف، سازمان نظام پزشکی، کانون وکلا و جامعه حسابداران رسمی اعمال می‌شود که در چارچوب قانون، صلاحیت وضع مقررات داخلی، صدور پروانه و رسیدگی به تخلفات اعضا را دارند. این دو لایه در مجموع ساختاری چندسطحی از حاکمیت تنظیمی را شکل می‌دهند.

در دکترین حقوقی و نیز اهداف سیاست‌گذاری عمومی، تعیین معیارهایی برای

تنظیم‌گری مؤثر و خوب^۱ همواره در صدر توجه به این موضوع بوده که این امر در وهله نخست بر وجود «ضرورت مداخله دولت» استوار است؛ به این معنا که ابتدا باید روشن شود در صورت عدم مداخله چه خساراتی ایجاد می‌شود و آیا اساساً این خسارات به حدی هست که توجیه‌کننده ورود دولت باشد و در ادامه نیز باید بررسی شود که آیا امکان حل مسئله از طریق سازوکارهای جایگزین مانند خودتنظیمی، تنظیم‌گری مشترک، حقوق خصوصی یا اطلاع‌رسانی وجود دارد یا خیر؟ در صورت احراز ضرورت تنظیم‌گری، مداخله باید متناسب با مسئله بوده و از تحمیل الزامات فراتر از نیاز اجتناب شود و هم‌زمان هزینه‌های مقررگذاری نیز در برابر منافع آن سنجیده گردد تا صرفاً در صورت برتری منافع، اقدام تنظیمی توجیه‌پذیر باشد.

معیار دوم، وجود مبنای قانونی برای وضع مقررات است که بر اساس اصول حقوق اساسی و تفکیک قوا، هرگونه قاعده‌گذاری را منوط به تجویز قانون نموده و امکان نظارت و ابطال مقررات غیرقانونی را از طریق مراجع صالح از جمله دیوان عدالت اداری، رئیس مجلس شورای اسلامی (در سطح مجلس شورای اسلامی) و هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل مجوزهای کسب‌وکار فراهم می‌سازد. معیار سوم، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی است که مستلزم مشارکت ذی‌نفعان در فرایند تنظیم‌گری، شفاف‌سازی دلایل وضع مقررات و فراهم‌سازی امکان اعتراض و تجدیدنظرخواهی مؤثر برای مخاطبان مقررات است. در مقام بیان معیار دیگر می‌توان گفت یک مقررره کارآمد، ابتدا باید با قوانین موجود هم‌راستا باشد تا در اجرا به تضاد و تبعیض ختم نشود. در قدم بعد، چرخ‌دنده‌های آن با شفافیت می‌چرخد؛ یعنی پیش از تصویب با ذی‌نفعان در میان گذاشته می‌شود، با زبانی روشن به نگارش درمی‌آید و برای اجرا، مهلتی منطقی به جامعه می‌دهد (به عنوان معیار پنجم). از طرفی، این قانون نباید تیرش را در تاریکی رها کند، بلکه باید کاملاً هدفمند روی حل یک مسئله مشخص قفل شود تا ترکش‌های ناخواسته به بخش‌های دیگر نزنند (به عنوان معیار

^۱ در سطح ملی و بین‌المللی برای تنظیم‌گری خوب معیارهایی مطرح شده است که از جمله مهم‌ترین آن می‌توان به موارد اعلامی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اشاره کرد.

ششم). در نهایت، چنین مقرراتی هرگز منجمد نمی‌ماند؛ بلکه با حفظ رقابت‌پذیری، راه سرمایه‌گذاری بین‌المللی را باز نگه می‌دارد و با ارزیابی مستمر، خود را با قطار سریع فناوری و اقتصاد روز هماهنگ می‌کند (به عنوان معیار هفتم). (شیروی، ۱۴۰۳: ۲۹۷-۲۹۹) نویسندگان دیگر، ویژگی‌هایی را نیز به لیست حقوق تنظیم مقررات اقتصادی مطلوب افزوده‌اند.^۱

این موضوع در ادبیات حقوقی و اقتصادی نیز مورد توجه بوده و بر اساس نتایج یک تحقیق معتبر در این خصوص، نشان داده شده است که مهم‌ترین نقاط توافق و اختلاف میان صاحب‌نظران، به قلمرو تنظیم‌گری، شیوه‌ها و ابزارهای مداخله، و نیز ماهیت بازیگران تنظیم‌گر و تنظیم‌شونده مربوط است. باوجود این تفاوت‌ها، تعاریف ارائه‌شده در حوزه‌های مختلف بر مجموعه‌ای از عناصر مشترک تأکید دارند؛ از جمله مداخله آگاهانه و هدفمند، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، اعمال نظارت از سوی نهادهای عمومی و در مواردی بازیگران غیردولتی، تدوین و اجرای قواعد و مقررات با هدف هدایت یا اصلاح رفتارها، تعیین استانداردهای الزام‌آور یا هنجارهای تنظیمی، جمع‌آوری و پردازش اطلاعات، و همچنین ایجاد یا محدود کردن بسترهای فعالیت در بخش‌های عمومی و

^۱ برخی نویسندگان سایر ویژگی‌های دیگر را این‌گونه طرح می‌کنند: ۱- در وضع هرگونه تنظیم‌گری اقتصادی لازم است تا حد امکان نسبت به مداخله ضروری و مورد نیاز حسب مورد اقدام نمود و از مداخلات غیرضروری و زاید در روابط اقتصادی و خصوصی تحت هر عنوان اجتناب نمود، ۲- مقررات اقتصادی خوب، و کارآمد دارای کمترین هزینه و بیشترین منافع برای جوامع سیاسی، نظام بازار و شهروندان هستند، ۳- مقررات اقتصادی نوعی اعمالی حقوقی یکجانبه اداری است و نظام حقوقی مربوط بدان حاکم است. ۴- مقررات‌گذاری اقتصادی را باید ابزاری حقوقی در اختیار قوه مجریه یا دولت به معنای اخص آن داشت. ۵- مقررات اقتصادی تنظیمی اساساً به امر کنترل و نظارت توسط مقام عالی اشاره داشته و دارای کارکرد دستوری و رهنمودی است، ۶- این مقررات از جنس امره می‌باشند ۷- تنظیم‌گری اقتصادی اساساً در راستای تأمین نظم عمومی در حوزه اقتصاد به ویژه نظم بازارهای با ویژگی انحصار طبیعی، تأمین امنیت اقتصادی سرمایه‌گذاران تسهیل شرایط رقابت سالم و منصفانه، کنترل و تنظیم منع انحصار و تأمین منافع و مصالح عمومی به ویژه منافع شهروندان به عنوان مصرف‌کنندگان نهایی کالاها و خدمات انجام می‌پذیرد. برای توضیح بیشتر رستمی، ولی و مرتضی اصغرnia، حقوق تنظیم مقررات اقتصادی، چاپ اول (تهران: میزان، ۱۴۰۳)، صص ۳۰-۳۳.

خصوصی. (Koop & Lodge, 2017: 3-4)

۳- تنظیم‌گری کسب و کارهای آنلاین

کسب‌وکارهای آنلاین (Online Businesses) در ادبیات اقتصاد دیجیتال به مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی اطلاق می‌شوند که بر بستر اینترنت و فناوری‌های دیجیتال شکل گرفته و مبادلات کالا، خدمات یا اطلاعات را تسهیل می‌کنند. این کسب‌وکارها به‌طور کلی در قالب رسته‌های مختلفی مانند تجارت الکترونیک (از جمله مدل‌های رایجی از قبیل معامله شرکت با شرکت و عمده‌فروشی (B2B) مثل مدل بکار رفته در جیبیت، یا فروش مستقیم شرکت به مشتری (B2C) مثل مدل خرید از سکوی دیجی کالا و نیز مدل خرید و فروش بی‌واسطه دو فرد عادی با هم (C2C) مثل سایت دیوار هستند)، خدمات مالی دیجیتال یا فین‌تک (مانند پی‌پال / بلوبانک)، سکوهایی حمل‌ونقل و خدمات اشتراکی (مانند اوبر / اسنپ)، آموزش آنلاین (مانند کورسرا / فرادرس)، رسانه‌های دیجیتال و تولید محتوا (مانند نتفلیکس / فیلمو)، و همچنین سکوهایی مبتنی بر اقتصاد داده و شبکه‌های اجتماعی (مانند متا شامل اینستاگرام و فیس‌بوک) طبقه‌بندی می‌شوند.

در این ساختار، هر رسته بر اساس نوع تعامل اقتصادی و نقش بازیگران (کسب‌وکار، مصرف‌کننده یا نهاد عمومی) تعریف می‌شود و از الگوهای متفاوتی در ایجاد ارزش، قیمت‌گذاری و توزیع بهره می‌برد. به‌طور کلی، ادبیات تخصصی نشان می‌دهد که این رسته‌ها نه به‌صورت مستقل، بلکه در قالب یک اکوسیستم به‌هم‌پیوسته عمل می‌کنند که در آن سکوها نقش محوری در کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش کارایی بازار دارند.^۱

با وجود آنکه در نظام حقوقی ایران دسته‌بندی جامع، منسجم و مورد اجماع از «کسب‌وکارهای آنلاین» ارائه نشده است، در عمل فهرست دارندگان اینماد^۲ تا حدی نقش یک طبقه‌بندی شبه‌رسمی را ایفا می‌کند و مشتمل بر حدود (۴۳) دسته مختلف از خدمات و فعالیت‌های دیجیتال است که بیانگر تنوع و گستره خدمات قابل‌شناسایی در این حوزه

^۱ برای اطلاع بیشتر به این دو منبع نگاه کنید: (Xero, ۲۰۲۵: ۲-۵; Techopedia, ۲۰۲۳)

^۲ <https://enamad.ir/DomainListForMIMT>

است. بااین حال، این طبقه‌بندی نیز ماهیتی توصیفی داشته و الزاماً مبتنی بر یک چارچوب نظری منسجم برای تفکیک انواع مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال نیست. بر اساس تعریف برخی نویسندگان نیز کسب‌وکارهای اینترنتی دربرگیرنده سکوهایی هستند مشتمل بر سخت‌افزار و نرم‌افزار که به منظور تسهیل ارتباط اعم از اجتماعی و اقتصادی میان افراد ایجاد شده‌اند. در یک تعریف سکوهای اینترنتی با عنوان بستری تجاری معرفی شده است که ارتباط منفعت‌ساز میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خارجی را فراهم می‌کند. (قاسمی و عبدالهی نیسیانی، ۱۴۰۰: ۲۶۹)

ازسوی دیگر، بسیاری از سکوهای فعال در عمل خدمات چندوجهی و ترکیبی ارائه می‌دهند که در چند دسته به طور هم‌زمان قابل طبقه‌بندی‌اند؛ امری که نشان می‌دهد مرزهای میان این دسته‌ها سیال بوده و با واقعیت اقتصادی و نوآوری‌های مدل‌های کسب‌وکار هم‌پوشانی دارد. درعین حال، با توجه به اینکه ارائه درگاه پرداخت و بهره‌مندی از شبکه بانکی در ایران غالباً منوط به اخذ نماد اعتماد الکترونیکی (اینماد) است، می‌توان تا حد زیادی داشتن اینماد را به‌عنوان یک شاخص عملی برای احصا و شناسایی کسب‌وکارهای آنلاین در نظر گرفت. با این وجود، باید توجه داشت که این پژوهش با رویکردی کلی و کلان‌نگر به موضوع تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین پرداخته است و به دلیل کثرت، تنوع و تفاوت ماهوی این کسب‌وکارها، داده‌ها و تحلیل‌های ارائه‌شده در برخی موارد نیازمند بررسی‌های تخصصی‌تر و تفکیکی در سطح هر یک از زیرحوزه‌های فعالیت‌های دیجیتال است. در نتیجه، این وضعیت نوعی ناهماهنگی میان طبقه‌بندی رسمی، الزامات نهادی و واقعیت عملی بازار را آشکار می‌سازد که خود می‌تواند پیامدهایی برای تنظیم‌گری و سنجش‌پذیری سیاست‌های این حوزه داشته باشد و در عمل اثبات‌کننده غیرعملی بودن تنظیم‌گری یکسان برای کلیه کسب‌وکارهای فعال در این حوزه باشد.

حسب دایره شمول گسترده مفهومی کسب‌وکارهای آنلاین، دغدغه‌ها و مسائل آنها نیز متنوع بوده و می‌توان آنها را در دسته‌بندی‌های مختلف طرح کرد. بررسی دغدغه‌های مطرح‌شده در جلسه مورخ ۳۰ مرداد ۱۴۰۲ میان فعالان اکوسیستم اقتصاد دیجیتال و

وزیر امور اقتصادی و دارایی که با حضور (۱۹) کسب‌وکار بزرگ اینترنتی از حوزه‌های مختلف برگزار شد^۱ نشان می‌دهد که از مجموع (۴۷) مطالبه و چالش اصلی مطرح شده از سوی فعالان این بخش، (۲۵) مورد، معادل حدود (۵۳) درصد، به‌طور مستقیم به قوانین و مقررات، عملکرد نهادهای تنظیم‌گر و مداخلات دستگاه‌های حاکمیتی مرتبط بوده است. این آمار بیانگر آن است که بیش از نیمی از مسائل و دغدغه‌های اصلی کسب‌وکارهای آنلاین نه ناشی از عوامل صرفاً بازار، فناوری یا تأمین مالی، بلکه ناشی از محیط تنظیم‌گری، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر، ابهامات مقرراتی و نحوه اعمال اختیارات تنظیم‌گران بخشی است.

علاوه بر تعارض‌های مثبت و منفی متعدد تنظیم‌گران بخشی^۲، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین در ایران، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و پراکندگی صلاحیت‌های تنظیم‌گرانه است. در حال حاضر، صلاحیت وضع قواعد و سیاست‌گذاری در این حوزه میان نهادهای مختلفی از جمله دولت و دستگاه‌های اجرایی، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی فضای مجازی توزیع شده است و علاوه بر آنها، نهادهای بخشی که در بخش ابتدایی این مقاله ذکر شد در محدوده وظایف خود نقش تنظیم‌گرانه ایفا می‌کنند. این وضعیت موجب شکل‌گیری نوعی چندپارگی نهادی شده است که می‌تواند به صدور مقررات متعارض، هم‌پوشانی وظایف، افزایش هزینه‌های انطباق، ابهام در صلاحیت مراجع تصمیم‌گیر و کاهش پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب‌وکار منجر شود. از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، چنین ساختاری هزینه‌های معاملاتی را افزایش داده و بخشی از منابع فعالان اقتصادی را به جای نوآوری و توسعه کسب‌وکار، صرف

^۱ <https://dolat.ir/detail/418717>

^۲ در نظام تنظیم‌گری بخشی، تعارض مثبت و منفی صلاحیت زمانی رخ می‌دهد که نهادهای تنظیم‌گر درباره حدود اختیارات خود اختلاف داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که در تعارض مثبت چند تنظیم‌گر هم‌زمان خود را صالح به مداخله و وضع مقررات بدانند و در تعارض منفی هیچ‌یک مسئولیت تنظیم یا نظارت بر یک موضوع را نپذیرد. گسترش فعالیت‌های نوظهور، به‌ویژه در اقتصاد دیجیتال، موجب افزایش این تعارض‌ها شده و در نتیجه به هم‌پوشانی مقررات، صدور تصمیمات متعارض یا ایجاد خلأهای تنظیم‌گری منجر می‌شود.

تطبيق با الزامات متعدد و گاه متعارض نهادهای مختلف می‌کند.

۳-۱ ملاحظات اختصاصی تنظیم‌گری در حوزه کسب‌وکارهای آنلاین

اگرچه تنظیم‌گری در حوزه کسب‌وکارهای آنلاین در اصول کلی از منطق عمومی تنظیم‌گری و معیارهای کارایی اقتصادی تبعیت می‌کند، اما به دلیل ویژگی‌های خاص اقتصاد دیجیتال، واجد قواعد و ملاحظات متمایزی است که آن را از تنظیم‌گری در بازارهای سنتی جدا می‌سازد. ویژگی‌هایی مانند اثرات شبکه‌ای، نقش محوری داده، سرعت بالای نوآوری، مقیاس‌پذیری سریع و شکل‌گیری قدرت‌های پلتفرمی موجب می‌شود ابزارهای تنظیم‌گری کلاسیک به‌تنهایی کفایت نکنند. در نتیجه، تنظیم‌گری در این حوزه، علاوه بر اصول عام، نیازمند قواعد اختصاصی متناسب با ماهیت سکوها و ساختارهای داده‌محور است.^۱ همچنین نقش فعال و دوسویه سکوه‌های تجارت الکترونیک در تنظیم‌گری از مؤلفه‌های اصلی تنظیم‌گری در این حوزه است که بی‌توجهی بدان باعث نگاه دستوری و از بالا به این بازار و در نتیجه شکست سیاست‌های اتخاذی دولتی می‌شود و در استمرار این نگاه، بازیگری سکوه‌های فعال در بستر الکترونیک در تنظیم‌گری از ویژگی‌های منحصربه‌فرد تنظیم‌گری در این خصوص است. در این چارچوب، نویسنده در مقاله‌ای با عنوان «Platforms a Regulators» به بررسی نقش فزاینده سکوه‌های دیجیتال به‌عنوان اشکال نوین تنظیم‌گری خصوصی می‌پردازد. این مقاله در چارچوب ادبیات حقوق رقابت و حقوق تنظیم‌گری، در یک نگاه انتقادی نشان می‌دهد که سکوه‌های آنلاین صرفاً بازیگران اقتصادی منفعل نیستند، بلکه از طریق طراحی قواعد دسترسی، الگوریتم‌های

^۱ مارتنز در مقاله «نگاهی از منظر سیاست‌گذاری اقتصادی به سکوه‌های آنلاین» با رویکردی اقتصادی به مطالعه ساختار و عملکرد سکوه‌های دیجیتال پرداخته است. وی ابتدا ویژگی‌های متمایز این سکوها از جمله بازارهای چندوجهی، اثرات شبکه‌ای، نقش داده به‌عنوان یک دارایی اقتصادی و صرفه‌های ناشی از مقیاس را تبیین کرده و سپس آثار این ویژگی‌ها را بر رقابت، رفاه مصرف‌کنندگان و ساختار بازارهای دیجیتال مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه، نویسنده مباحثی نظیر قدرت بازار، انحصار، عدم تقارن اطلاعاتی، حریم خصوصی، خودتنظیمی و مداخله تنظیم‌گر را در بستر اقتصاد پلتفرمی تحلیل کرده و چارچوبی برای ارزیابی سیاست‌های عمومی و ابزارهای تنظیم‌گری در حوزه کسب‌وکارهای آنلاین ارائه می‌کند. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: (Martens, ۲۰۱۶: ۷۲-۵)

رتبه‌بندی، سیاست‌های تعدیل محتوا و کنترل زیرساخت‌های دیجیتال، در عمل کارکردی شبه‌قانون‌گذارانه پیدا کرده‌اند. نویسندگان به تمرکز بر رابطه میان قدرت سکوها و حاکمیت عمومی، تلاش می‌کند توضیح دهد که چگونه ساختارهای خصوصی می‌توانند بخشی از وظایف سنتی دولت در تنظیم رفتار اقتصادی و اجتماعی را بر عهده بگیرند و در نتیجه مرز میان تنظیم‌گری عمومی و خصوصی را دچار بازتعریف کنند.^۱ در بخش تحلیل و جمع‌بندی مقاله یادشده، نویسنده استدلال می‌کند که ظهور سکوها به‌عنوان تنظیم‌گران خصوصی، پیامدهای مهمی برای نظام حقوقی و سیاست‌گذاری عمومی دارد؛ از جمله افزایش خطر تمرکز قدرت تنظیمی در دست بازیگران خصوصی، کاهش شفافیت قواعد رفتاری و تضعیف پاسخگویی دموکراتیک. با این حال، مقاله تأکید می‌کند که این وضعیت لزوماً به معنای جایگزینی کامل دولت نیست، بلکه مستلزم شکل‌گیری مدل‌های ترکیبی تنظیم‌گری و نظارت عمومی بر سازوکارهای خصوصی است. در نتیجه، تنظیم‌گری در کسب‌وکارهای آنلاین باید با درک هم‌زمان از نقش دولت و سکوها طراحی شود تا تعادل میان کارایی اقتصادی، رقابت و حفاظت از حقوق کاربران برقرار گردد. (Dunne, 2020: 12-18)

یکی از آفت‌های رابطه کسب و کارها و حاکمیت در ایران محوریت گفتمان امنیت در شکل‌گیری قواعد و نهادهای حاکم بر آن است. گسترش چنین فضایی به دلیل اثر پروانه‌ای، بستر اینترنتی بودن این کسب‌وکارها و تکثر فعالان آن و جوان بودن بیشتر موسسان این کسب و کارها، ایجاد شده است.^۲ در امتداد این وضعیت، غلبه چنین

^۱ Dunne, Niamh, "Platforms as Regulators" (Working Paper, 2020), pp. 1-12.

^۲ در ادبیات پژوهشی مرتبط با فضای مجازی در ایران، چند محور اصلی به‌صورت تکرارشونده قابل مشاهده است. برای نمونه، در مقاله «بررسی رویکرد مقامات ایرانی نسبت به فضای مجازی بر اساس نظریه سه‌بعدی قدرت» (ملکن، امام‌جمعه‌زاده، مسعودنیا و علی‌حسینی، ۲۰۱۶) نشان داده می‌شود که سیاست‌گذاری فضای مجازی در ایران عمدتاً ذیل منطق کنترل و اعمال قدرت تفسیر شده و اینترنت به‌عنوان حوزه‌ای مرتبط با مدیریت و هدایت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در پژوهش «سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی در مقابله با نیروهای گریز از مرکز» (عبداللهی، شیاری و اسمعیل‌زاد، ۱۴۰۳) نیز تأکید می‌شود که سیاست‌گذاری

گفتمان امنیت‌محوری در حوزه سیاست‌گذاری، اثر مستقیم و معناداری بر تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین برجای می‌گذارد. در این چارچوب، تنظیم‌گری به‌جای آنکه بر مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، کارایی، کاهش هزینه‌های مبادله و ارتقای نوآوری استوار شود، به‌تدریج ذیل منطق کنترل، نظارت پیشینی و مدیریت ریسک‌های امنیتی بازتعریف می‌شود. نتیجه این امر، توسعه نوعی تنظیم‌گری سخت‌گیرانه است که در آن ملاحظات امنیتی بر ملاحظات رقابت، رفاه مصرف‌کننده و نوآوری غلبه می‌یابد. چنین رویکردی می‌تواند با افزایش هزینه‌های ورود به بازار، محدودسازی فعالیت سکوها و کاهش انعطاف‌پذیری نهادی، در نهایت به تضعیف پویایی اقتصاد دیجیتال منجر شود و مسیر تنظیم‌گری را از الگوی کارایی‌محور به سمت الگوی کنترلی و محدودکننده سوق دهد.

عوارض و آسیب‌های عینی ناشی از موارد فوق الذکر، باعث ایجاد عوارض منفی در آن از جمله در نظام مجزدهی و صدور پروانه‌های فعالیت، الزامات مربوط به نماد اعتماد الکترونیکی (اینماد)، ضوابط و محدودیت‌های حاکم بر خدمات پرداخت و تسویه وجوه، سیاست‌های مرتبط با پالایش و محدودسازی دسترسی به سکوها و خدمات اینترنتی، مقررات و محدودیت‌های بانکی و مالی، و نیز قواعد ناظر بر داده‌ها، حریم خصوصی و گردش اطلاعات شده است. این حوزه‌ها در عمل بخش قابل توجهی از محیط حقوقی و نهادی فعالیت کسب‌وکارهای آنلاین را تشکیل می‌دهند و آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر

شبکه‌های اجتماعی با رویکرد نظارت مستقیم بر محتوا و مدیریت کنش‌های اجتماعی در فضای مجازی صورت می‌گیرد. همچنین در مطالعات مرتبط با حکمرانی فضای مجازی و گزارش‌های سیاستی داخلی، بر محورهایی مانند ضرورت مدیریت ریسک‌های اجتماعی، کنترل جریان اطلاعات و توسعه زیرساخت‌های حکمرانی دیجیتال تأکید شده است. در مقاله دیگری با تمرکز بر مسئله حکمرانی و تنظیم‌گری در فضای مجازی در ایران، به بررسی نقش گفتمان امنیت در شکل‌دهی به سیاست‌های تنظیم‌گری حوزه ارتباطات و کسب‌وکارهای آنلاین می‌پردازد. نویسنده استدلال می‌کند که در ساختار سیاست‌گذاری ایران، فضای مجازی عمدتاً نه به‌عنوان یک بستر اقتصادی-نوآورانه، بلکه به‌عنوان حوزه‌ای مرتبط با امنیت ملی و کنترل اجتماعی تلقی می‌شود. بر همین اساس، تنظیم‌گری در این حوزه بیشتر تحت تأثیر ملاحظات امنیتی و رویکردهای کنترلی قرار گرفته و همین امر موجب غلبه سیاست‌های محدودکننده بر سیاست‌های توسعه‌محور شده است. (نامداریان و خدمتگزار، ۱۴۰۳: ۱۰۰۲-۹۶۳)

نحوه ورود، استمرار فعالیت، توسعه بازار و جذب سرمایه در این بخش بر جای می‌گذارند. از این رو، هرگونه ارزیابی از وضعیت موجود تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین در ایران ناگزیر از بررسی این مؤلفه‌ها و تحلیل آثار مقررات و تصمیمات نهادهای تنظیم‌گر در هر یک از این حوزه‌ها خواهد بود.

رشد نامطلوب تنظیم‌گری باعث افزایش بی‌اعتمادی و فقدان اطمینان حقوقی، رشد هزینه‌های انطباق برای فعالان اقتصادی، و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و نوآوری در حوزه اقتصاد دیجیتال می‌شوند. از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، چنین وضعیتی نشان‌دهنده افزایش هزینه‌های معاملاتی و کاهش کارایی نظام تنظیم‌گری است؛ زیرا فعالان اقتصادی ناگزیرند بخش قابل توجهی از منابع خود را به جای توسعه فعالیت‌های مولد، صرف تطبیق با الزامات متغیر و بعضاً غیرهمسو با یکدیگر نمایند. در نتیجه، اصلاح این چالش‌ها مستلزم حرکت به سوی ثبات مقرراتی، کاهش تعدد مجوزها، افزایش شفافیت تصمیمات تنظیم‌گران و توسعه ابزارهای تنظیم‌گری نوآورانه و آزمون‌محور است.

۴- مطلوبیت تنظیم‌گری و تحلیل به سبک تحلیل اقتصادی حقوق

پیوند حقوق و اقتصاد در دو رویکرد متجلی می‌شود: «حقوق اقتصادی» و «تحلیل اقتصادی حقوق». حقوق اقتصادی جنبه عام‌تری داشته و عمدتاً به بررسی ساختار حقوقی نهادها، سازمان‌ها و موضوعات اقتصادی مربوط می‌شود. در مقابل، تحلیل اقتصادی حقوق رویکردی موخر و نوین است که به کاربرد ابزارها، تئوری‌ها و تکنیک‌های اقتصادی برای تحلیل موضوعات حقوقی می‌پردازد. (دادگر، ۱۳۹۰: ۱۶) از نظر قاسمی، تحلیل اقتصادی حقوق، کاربرد نظریه‌های علم اقتصاد به‌ویژه اقتصاد خرد، اقتصاد رفاه و روش‌های اقتصادسنجی به منظور بررسی و تحلیل شکل‌گیری نهادها و قواعد حقوقی و تأثیر آن‌ها بر جامعه است. (قاسمی، ۱۴۰۳: ۴) آقای طوق نیز علاوه بر دادن تعریفی مشابه، بر مفهومی سلبی از این رویکرد تأکید می‌کند و آن را در پی بررسی تأثیر نظام حقوقی بر نظام اقتصادی کشور و کشف پیامدهای اقتصادی حقوق می‌داند. (آقای طوق، ۱۳۹۲: ۸) اگرچه در ادبیات حقوقی ایران این رویکرد در آثار متعددی مورد توجه قرار

گرفته، در حوزه تنظیم‌گری کمتر بررسی شده و در عوض، بیشتر در حوزه‌های حقوق خصوصی (به‌ویژه قراردادهای) یا حقوق جزا مورد استفاده بوده است.^۱ مهد این رویکرد دانشگاه‌های شیکاگو، یل و ویرجینیا در آمریکا است (قاسمی، ۱۴۰۳: ۴) و هدف آن استفاده از ابزارهای اقتصاد خرد برای تبیین ماهیت و کارکرد نهادهای حقوقی است. (ایران‌پور، ۱۴۰۱: ۱)

۴-۱- مطلوبیت تنظیم‌گری

در این مقاله، بکارگیری تحلیل اقتصادی حقوق به منظور استفاده از معیار مطلوبیت تنظیم‌گری بوده است. با استفاده از این ابزار، تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین نه بر مبنای فرض ضرورت مداخله گسترده دولت و نه بر مبنای رهاسازی کامل بازار، بلکه بر پایه مقایسه کارایی نسبی بازار و تنظیم‌گر در دستیابی به رفاه اجتماعی ارزیابی می‌شود. (Martens, 2016: 77-84) در بیانی دیگر، کارآمدی نظام تنظیم‌گری، نه با کثرت مقررات بلکه با طراحی بهینه‌ای سنجیده می‌شود که بتواند میان منافع عمومی و هزینه‌های تحمیل‌شده بر فعالان اقتصادی تعادل برقرار کند. در این چارچوب، هر مقررره جدید نوعی «هزینه» بر کسب‌وکارها تحمیل می‌کند؛ هزینه‌ای که ممکن است به شکل اخذ مجوز، رعایت الزامات فنی، تأخیر در ورود به بازار، افزایش ریسک حقوقی یا کاهش انگیزه نوآوری بروز یابد.

^۱ از جمله مقاله مسلم آقایی طوق با عنوان تحلیل «تحلیل اقتصادی حقوق» در مجله حقوق تطبیقی (دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۱-۱۷) که به تبیین مبانی نظری این رویکرد پرداخته است. همچنین در مقاله باقر انصاری و اسماعیل انصاری با عنوان «حقوق اطلاعات از منظر تحلیل اقتصادی» (مطالعات حقوق تطبیقی، سال ۱۳۹۱، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱-۲۱) کاربست این رویکرد در حوزه حقوق اطلاعات بررسی شده است. در ادامه، سمیه کاویانی و مهدیه صانعی در مقاله «تحلیل حقوقی - اقتصادی ضمانت از منظر حقوق مصرف‌کننده خودرو» (مجله تحقیقات حقوقی، سال ۱۴۰۴، دوره ۲۸، شماره ۱۰۹، صص ۲۵۳-۲۷۰) به تحلیل نهادهای حمایتی در بستر حقوق مصرف‌کننده پرداخته‌اند. همچنین عرفان شمس در مقاله «تحلیل اقتصادی نظام مسئولیت مدنی و تنظیم‌گری در مقابله با آلودگی‌های زیست‌محیطی» (مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، پاییز ۱۳۹۹، شماره ۹۱، صص ۱۳۷-۱۵۸) نقش ابزارهای مسئولیت مدنی را در چارچوب تنظیم‌گری اقتصادی مورد بررسی قرار داده است. این مجموعه آثار نشان می‌دهد که تحلیل اقتصادی حقوق به تدریج در حوزه‌های مختلف حقوقی ایران از سطح نظری به کاربردهای نهادی و تنظیم‌گرانه توسعه یافته است.

بنابراین تنظیم‌گری زمانی موجه و کارآمد تلقی می‌شود که منافع حاصل از آن (مانند حمایت از مصرف‌کنندگان، حفظ رقابت، کاهش تقلب، افزایش امنیت داده‌ها و رفع شکست‌های بازار) از هزینه‌های اقتصادی آن که بر کسب‌وکارهای آنلاین وارد می‌کند، بیشتر باشد.

مطلوبیت تنظیم‌گری به معنای دستیابی به درکی شبه‌ریاضی از اثر اجتماعی مداخله دولت در بازار دیجیتال است و اگرچه دقت ریاضی به معنای دقیق کلمه را به ما نمی‌دهد، در موضع تصمیم‌گیری و تحلیل این حوزه راهنمای ما خواهد بود. این مطلوبیت زمانی افزایش می‌یابد که منافع حاصل از اصلاح یا کاهش ناکارآمدی‌های بازار دیجیتال، بیش از هزینه‌های ناشی از ورود دولت به فرآیند تنظیم‌گری باشد. به بیان دیگر، تنظیم‌گری نه به‌خودی‌خود مطلوب یا نامطلوب، بلکه تابعی از توازن میان «مسئله‌ای که قرار است حل شود» و «هزینه‌ای که برای حل آن مسئله ایجاد می‌شود» است.

۴-۲ الگوی پیشنهادی برای سنجش مطلوبیت تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین

ارزیابی هزینه‌های تنظیم‌گری در کسب‌وکارهای آنلاین، ضرورتاً با طرح دو دسته قابل ارزیابی است. از سویی، با هزینه‌های ناشی از شکست بازار (استیگلitz، ۱۳۹۱: فصل چهار بخش دو) مواجهیم که شامل عدم تقارن اطلاعات میان عرضه‌کنندگان و کاربران^۱، اثرات خارجی منفی ناشی از سوءاستفاده از داده‌ها^۲، انحصار ناشی از اثرات شبکه‌ای^۳ و

^۱ وضعیتی که در آن سکوها اطلاعات بسیار بیشتری نسبت به کاربران درباره شرایط قرارداد، نحوه پردازش داده‌ها و ساختار الگوریتم‌ها در اختیار دارند و این نابرابری اطلاعاتی امکان تصمیم‌گیری آگاهانه را از کاربر سلب می‌کند.

^۲ زیان‌هایی که می‌تواند از بهره‌برداری نادرست از داده‌های شخصی کاربران به اشخاص ثالث یا جامعه تحمیل می‌شود، بدون آنکه در قیمت‌گذاری خدمات دیجیتال لحاظ گردد.

^۳ تسلط سکوه‌های بزرگ بر بازار به سبب اثر شبکه‌ای، به‌گونه‌ای که با افزایش تعداد کاربران، مزیت رقابتی آن‌ها تقویت و ورود رقبای جدید عملاً دشوار می‌شود.

کاهش اعتماد به عنوان کالای عمومی^۱ می‌گردد. ^۲ طرف دوم، هزینه‌های اقتصادی ناشی از مداخله تنظیم‌گرانه است و دربرگیرنده هزینه‌های مستقیم تبعیت از مقررات^۳، اثر بازدارندگی بر نوآوری^۴، ایجاد امتیازات انحصاری ناشی از نظام مجوزدهی^۵ و عدم امنیت حقوقی^۶ و هزینه فرصت ناشی از درگیری‌های تنظیم‌گرانه^۷ را در بر می‌گیرد. تقابل و ارزیابی هزینه‌های یادشده، از کلیدی‌ترین معیارهای ارزیابی مطلوبیت تنظیم‌گری این بخش از اقتصاد محسوب می‌شود و بنیان تئوریک آن نیز، این اصل است که بر مبنای آن، مقررات خوب و کارآمد باید بر پایه ارزیابی هزینه‌ها و منافع وضع شوند و مداخله دولت تنها زمانی توجیه‌پذیر است که منافع اجتماعی حاصل از آن از هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آن بیشتر باشد. امروزه این اصل در نظام‌های پیشرفته تنظیم‌گری تحت عنوان «ارزیابی تأثیر مقررات»^۸ و «تحلیل هزینه - فایده»^۹ شناخته می‌شود. بر

^۱ اعتماد کاربران به فضای دیجیتال منفعتی است که همگان از آن بهره‌مند می‌شوند، اما نقض مکرر آن توسط بازیگران بازار بدون تحمل هزینه کافی، این سرمایه مشترک را تخریب می‌کند.

^۲ برای دیدن تعاریف و توضیح بیشتر این عبارات نک به صص ۲۸۴-۲۸۸ مقاله مصطفی عبداللهی

^۳ هزینه‌هایی که کسب‌وکارهای آنلاین برای انطباق با الزامات قانونی از قبیل اخذ مجوزها، راه‌اندازی زیرساخت‌های فنی موردنیاز و تأمین نیروی انسانی متخصص متحمل می‌شوند.

^۴ وضعیتی که در آن ابهام یا سختگیری مقررات، انگیزه کسب‌وکارها برای سرمایه‌گذاری در محصولات و خدمات جدید را کاهش می‌دهد، زیرا ریسک مقرراتی بازدهی مورد انتظار را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

^۵ فرآیندی که طی آن کسب‌وکارهای دیجیتال به‌جای بهبود کیفیت خدمات، انرژی خود را صرف اثرگذاری بر فرآیند صدور مجوز و کسب امتیازات از نهادهای تنظیم‌گر می‌کنند.

^۶ وضعیتی که در آن تنظیم‌گر به دلیل درک ناکافی از ماهیت فناوری و مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال، یا به سبب غلبه گفتمان‌های غیراقتصادی از جمله امنیت‌محوری بر فرآیند سیاست‌گذاری، مقرراتی ناپایدار و متغیر وضع می‌کند که فاقد توجیه اقتصادی روشن بوده و برنامه‌ریزی بلندمدت را برای فعالان بازار دشوار می‌سازد.

^۷ هزینه فرصت فعالیت اقتصادی ناشی از درگیری‌های تنظیم‌گرانه عبارت است از ارزش اقتصادی فعالیت‌ها، نوآوری‌ها و فرصت‌های درآمدی از دست‌رفته‌ای که بنگاه به دلیل صرف زمان، منابع و ظرفیت مدیریتی خود برای مواجهه با الزامات، فرآیندها و تعارضات تنظیم‌گری از دست می‌دهد.

^۸ (Regulatory Impact Assessment - RIA)

^۹ Cost-Benefit Analysis - CBA)

اساس توصیه‌های رسمی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، پیش از تصویب هر ضابطه‌ای باید ضرورت مداخله، گزینه‌های جایگزین، هزینه‌ها و منافع گزینه‌ها و آثار مستقیم و غیرمستقیم آن بر شهروندان، کسب‌وکارها و دولت مورد بررسی قرار گیرد. (OECD, 2020)

در این چارچوب لازم است میان دو اصل مرتبط اما متمایز تفکیک قائل شویم. «اصل تناسب تنظیم‌گری» پاسخ به این پرسش است که چقدر مداخله کنیم؟ بدین معنا که شدت مداخله باید با اهمیت مسئله همخوانی داشته باشد و مقررات نباید محدودیت‌هایی فراتر از میزان لازم ایجاد کنند. این اصل سقفی برای مداخله تنظیم‌گر تعیین می‌کند؛ یعنی آنچه در نهایت به‌عنوان مقرره وضع می‌شود باید از نظر شدت و دامنه، متناسب با مسئله‌ای باشد که قرار است حل شود، نه بیشتر و نه کمتر. «قاعده تناسب در ارزیابی اقتصادی تنظیم‌گری» اما پاسخ به پرسش متفاوتی است: «پیش از مداخله، چقدر عمیق تحلیل کنیم؟» این قاعده ناظر به فرایند تصمیم‌گیری پیش از مداخله است، نه خود مداخله. بر اساس آن، سطح دقت و جامعیت ارزیابی اقتصادی باید با دامنه آثار مقرره متناسب باشد؛ مقرره‌ای که آثار محدود و موضعی دارد نیازی به ارزیابی سنگین و پرهزینه ندارد، اما مقرره‌ای که کل ساختار یک بازار را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، مستلزم تحلیل اقتصادی جامع، چندوجهی و مستند است. این قاعده از ائتلاف منابع در فرایند تنظیم‌گری جلوگیری می‌کند و اطمینان می‌دهد که عمق تحلیل با اهمیت واقعی موضوع همخوانی دارد.

تمایز این دو اصل در مقام عمل روشن‌تر می‌شود. اگر یک مقرره صرفاً بر چند فروشگاه اینترنتی کوچک اثر بگذارد، اصل تناسب تنظیم‌گری اقتضا می‌کند محدودیت‌های تحمیل‌شده فراتر از حد لازم نباشد و قاعده تناسب در ارزیابی اقتصادی نیز ایجاب می‌کند فرایند ارزیابی آن ساده و سبک باشد. در مقابل، اگر اقدام تنظیم‌گرانه‌ای کل بازار سکوه‌های آنلاین را تحت‌تأثیر قرار دهد، از یک سو شدت مقرره باید با اهمیت و گستردگی مسئله متناسب باشد و از سوی دیگر، به دلیل پیامدهای اقتصادی، رقابتی و نوآورانه گسترده آن، انجام ارزیابی اقتصادی جامع و دقیق پیش از تصویب ضرورت پیدا می‌کند. موارد یادشده، دو روی یک سکه‌اند و چارچوبی منسجم برای تنظیم‌گری هوشمند در بازار دیجیتال فراهم

می‌آورند. قاعده تناسب در ارزیابی اقتصادی تنظیم‌گری (که از قضا در ایران موضوعیت بیشتری دارد) اقتضا می‌کند که فرایند تصمیم‌گیری پیش از هر اقدام تنظیم‌گرانه جدید یا تشدید تنظیم‌گری موجود، متناسب با دامنه آثار آن اقدام باشد. هرگاه مقررهای کل بازار سکوه‌های آنلاین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این قاعده ایجاب می‌کند که پیش از تصویب، گام‌های اساسی طی شود: اخذ نظر بازیگران بازار، مشورت با کارشناسان حقوقی و اقتصادی، ارزیابی آثار رقابتی و نوآورانه، و بررسی گزینه‌های جایگزین. براین اساس، تنظیم‌گری شتاب‌زده، یعنی وضع یا تشدید مقررات بدون طی این فرایند و بدون اخذ نظر ذی‌نفعان و نقض آشکار این قاعده است؛ چرا که عمق تحلیل را به حداقل می‌رساند در حالی که دامنه آثار بسیار گسترده است. به بیان دیگر، همان‌گونه که اصل تناسب تنظیم‌گری از مداخله بیش از حد لازم جلوگیری می‌کند، قاعده تناسب در ارزیابی اقتصادی از تصمیم‌گیری کمتر از حد لازم (از نظر عمق تحلیل و مشارکت ذی‌نفعان) ممانعت به عمل می‌آورد.

این رویکرد در حوزه کسب‌وکارهای آنلاین اهمیت دوچندان پیدا می‌کند؛ زیرا اقتصاد دیجیتال بر نوآوری، سرعت و کاهش هزینه‌های معاملاتی استوار است. در چنین بازاری، مقرراتی که بدون تحلیل اقتصادی وضع شوند ممکن است ناخواسته هزینه‌های ورود به بازار را افزایش داده، رقابت را کاهش داده یا انگیزه نوآوری را تضعیف کنند. البته باید توجه داشت که تحلیل تناسب تنظیم‌گری به معنای تقلیل سایر ارزش‌های حقوقی به معیارهای مالی نیست. در ادبیات جدید تنظیم‌گری تأکید شده است که برخی آثار مهم مقررات، مانند عدالت، برابری، اعتماد عمومی، حمایت از حقوق بنیادین یا امنیت اجتماعی، ممکن است به‌سادگی قابل اندازه‌گیری پولی نباشند. از این‌رو ارزیابی مطلوبیت تنظیم‌گری باید در کنار تحلیل‌های کیفی و ملاحظات حقوقی و اجتماعی انجام شود.

۴-۳ عملیاتی کردن فرمول تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین

چنانچه در بخش فوق آمد، مطلوبیت تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین را می‌توان به‌مثابه حاصل کسر دو دسته هزینه یادشده از یکدیگر صورت‌بندی کرد. تنظیم‌گری تنها

زمانی از منظر کالدور-هیکس توجیه‌پذیر است که منافع حاصل از رفع شکست بازار به‌گونه‌ای باشد که بتوان از محل آن، هزینه‌های مداخله را جبران کرد و همچنان سود خالص اجتماعی باقی بماند. (قاسمی، ۱۴۰۳: ۵۵-۵۶)

اگرچه سنجش این شاخص در ایران به‌صورت دقیق ناممکن به نظر می‌رسد، عملیاتی کردن آن به شکل یک مدل نیمه کمی و مبتنی بر شاخص‌های جایگزین‌شدنی است. در این چارچوب، هر یک از مؤلفه‌های هزینه‌های شکست بازار دیجیتال و هزینه‌های مداخله تنظیم‌گرانه با استفاده از ترکیبی از داده‌های رسمی (مانند گزارش‌های مرکز آمار، بانک مرکزی و نهادهای تنظیم‌گر)، شاخص‌های بین‌المللی و ارزیابی خبرگانی^۱ به امتیاز عددی تبدیل می‌شود؛ سپس این امتیازها پس از نرمال‌سازی در مقیاس صفر تا ده در دو شاخص کلی «منافع اجتماعی ناشی از کاهش شکست بازار» و «هزینه‌های تنظیم‌گری» تجمیع می‌گردند. در نهایت، مطلوبیت تنظیم‌گری از طریق مقایسه این دو شاخص محاسبه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که عدد مثبت بیانگر غلبه منافع رفع شکست اجتماعی بر هزینه‌های مداخله تنظیم‌گرانه و عدد منفی نشان‌دهنده ناکارآمدی تنظیم‌گری خواهد بود. این روش امکان می‌دهد بدون نیاز به داده‌های کاملاً پولی و دقیق، یک ارزیابی قابل‌دفاع و قابل استناد از وضعیت تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین در ایران ارائه کرد.

^۱ برای عملیاتی کردن مدل پیشنهادی، می‌توان از ترکیب دو روش بهره گرفت. روش دلفی از طریق چند دور مشورت ساختارمند با خبرگان حقوق و اقتصاد، امکان وزن‌دهی به مؤلفه‌های هزینه‌های شکست بازار و هزینه‌های مداخله تنظیم‌گرانه را فراهم می‌کند و نظرات پراکنده متخصصان را به اجماعی قابل استناد تبدیل می‌نماید. مقیاس لیکرت نیز به‌عنوان ابزار تکمیلی، از طریق پرسشنامه‌ای با گزینه‌های درجه‌بندی‌شده، شدت تجربه واقعی کسب‌وکارها از هر یک از این هزینه‌ها را به امتیاز عددی قابل تجمیع و مقایسه تبدیل می‌کند.

نتیجه‌گیری

موفقیت نظام حقوقی حاکم بر کسب‌وکارهای آنلاین در گرو استفاده مستمر از تحلیل اقتصادی در تمامی مراحل اجرا و نظارت است و صرف تدوین و اجرای قواعد حقوقی پر حجم و سخت‌گیرانه برای تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن، کافی نخواهد بود. از این منظر، تحلیل اقتصادی نه جایگزین قواعد حقوقی، بلکه مکمل ضروری آن‌ها در فرایند تنظیم‌گری بازارهای مربوط است و می‌تواند از مداخله بیش از حد یا ناکافی تنظیم‌گر جلوگیری کند. براین اساس، ضرورت اتخاذ رویکردی مبتنی بر شواهد، ارزیابی مستمر و سنجش هزینه - فایده در اجرای مقررات مربوط به سکوه‌های آنلاین از مهم‌ترین فاکتورهای حقوقی حاکم بر این حوزه خواهد بود.^۱

با توجه به اینکه فرض الگوی مطلوب تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین در ایران براین اساس نگاشته شده که افزایش کارایی اقتصادی، کاهش هزینه‌های مبادله و ارتقای رفاه عمومی ضروری است، این الگو بر «تنظیم‌گری حداقلی اما مؤثر» تأکید دارد؛ یعنی مداخله دولت صرفاً در موارد شکست بازار، انحصار یا مخاطرات عمومی، در مقابل وضعیت فعلی که اغلب به تنظیم‌گری گسترده اما کم‌اثر منجر شده است. همچنین مقررات حاکم در این حوزه بر مبنای ریسک قابل وضع و اجرا بوده و باید متناسب با اندازه و حساسیت فعالیت‌های آن، طراحی شوند. ازسوی دیگر، تنظیم‌گری مطلوب باید موجب کاهش هزینه‌های مبادله، تقویت رقابت و جلوگیری از انحصارهای دولتی و خصوصی شده و هم‌زمان اصل پیش‌بینی‌پذیری مقررات را برای حمایت از سرمایه‌گذاری و نوآوری تضمین کند. در مجموع، این رویکرد به گذار از تنظیم‌گری کنترل‌محور به تنظیم‌گری هوشمند و کارا در اقتصاد دیجیتال منجر خواهد شد.

در اقتصاد رفاه، برای سنجش مطلوبیت یک سیاست یا مداخله، دو معیار اصلی مطرح است. کارایی پارتو می‌گوید یک تغییر تنها زمانی بهینه است که وضع حداقل یک نفر را

^۱ در این حوزه تحقیقات مشابهی موید این جمع‌بندی انجام شده است. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: (de)

بهتر کند بدون آنکه وضع هیچ‌کس دیگری بدتر شود. (قاسمی، ۱۴۰۳: ۵۲) این معیار در عمل بسیار سخت‌گیرانه است، زیرا تقریباً هر مداخله‌ای به گروهی زیان می‌زند. به همین دلیل، کارایی کالدور-هیكس معیاری انعطاف‌پذیرتر ارائه می‌دهد: یک سیاست توجیه‌پذیر است اگر منافع حاصل از آن به قدری باشد که برندگان بتوانند به طور نظری بازندگان را جبران خسارت کنند و باز هم سود خالصی برایشان باقی بماند، حتی اگر این جبران در عمل صورت نگیرد. به عبارت ساده‌تر، ملاک این است که آیا یک اجتماع بزرگ‌تر می‌شود یا نه. این به معنای این نیست که سهم همه لزوماً افزایش یابد. نیم‌نگاهی به کیفیت نظام تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین در ایران آن است که بسیاری از مداخلات تنظیم‌گرانه نه تنها معیار پارتویی را تأمین نمی‌کنند، بلکه در مواردی حتی از منظر کالدور-هیكس و نظریه حداکثرسازی ثروت نیز قابل دفاع نیستند؛ زیرا هزینه‌های ناشی از تنظیم‌گری نامطلوب و غیرمقرون به صرف (در ادبیاتی که در فوق بدان اشاره شد) بیش از منافع اجتماعی حاصل از این مداخلات ارزیابی می‌شود و در عوض اقتصاد رقومی، روز به روز کوچک‌تر می‌شود.

در مقام ارائه پیشنهاد، مطلوبیت تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین را می‌توان به مثابه حاصل کسر دو دسته هزینه از یکدیگر صورت‌بندی کرد: مطلوبیت تنظیم‌گری کسب‌وکارهای آنلاین برابر است با هزینه‌های ناشی از شکست بازار منهای هزینه‌های اقتصادی ناشی از مداخله تنظیم‌گرانه. از همین منظر و در تطبیق با نظریه کالدور-هیكس، تنظیم‌گری تنها زمانی توجیه‌پذیر خواهد بود که منافع رفع شکست بازار از هزینه‌های مداخله بیشتر باشد. از آنجا که سنجش کمی دقیق این شاخص‌ها در شرایط ایران معمولاً ممکن نیست، پیشنهاد می‌شود از مدل نیمه کمی مبتنی بر شاخص‌های جایگزین استفاده شود؛ بدین صورت که هر مؤلفه با ترکیبی از داده‌های رسمی، شاخص‌های بین‌المللی و ارزیابی خبرگانی به امتیاز عددی نرمال شده تبدیل گردد و در نهایت تفاضل دو شاخص کلی، مطلوبیت یا ناکارآمدی تنظیم‌گری را نشان دهد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. استیگلیتز، ژوزف، (۱۳۹۱)، اقتصاد بخش عمومی، ترجمه محمدمهدی عسکری، (چاپ اول)، تهران: انتشارات سمت.
۲. ایران پور، فرهاد (۱۴۰۱). مبانی و کاربرد تحلیل اقتصادی در حقوق خصوصی (چاپ دوم). تهران: دنیای اقتصاد.
۳. دادگر، یداله (۱۳۹۰). درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق (چاپ دوم). تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم.
۴. رضایی، محمد (۱۳۹۴). شکاف‌های جامعه ایرانی. تهران: نشر آگاه.
۵. رستمی، ولی و اصغرینیا، مرتضی (۱۴۰۳). حقوق تنظیم مقررات اقتصادی (چاپ اول). تهران: میزان.
۶. شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۳). حقوق اقتصادی (چاپ چهارم). تهران: سمت.
۷. قاسمی، مجتبی (۱۴۰۳). تحلیل اقتصادی حقوق. تهران: سمت.

مقالات

۱. آقایی طوق، مسلم (۱۳۹۲). تحلیل «تحلیل اقتصادی حقوق». مطالعات تطبیقی حقوق، دوره ۴ شماره ۲.
۲. انصاری، باقر و انصاری، اسماعیل (۱۳۹۱). حقوق اطلاعات از منظر تحلیل اقتصادی. مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳ شماره ۲.
۳. شمس، عرفان (۱۳۹۹). تحلیل اقتصادی نظام مسئولیت مدنی و تنظیم‌گری در مقابله با آلودگی‌های زیست‌محیطی. دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹۱.
۴. قاسمی، مجتبی و عبدالهی نیسیانی، مصطفی (۱۴۰۰). تنظیم‌گری بهینه اقتصادی در حوزه سکوه‌های اینترنتی. شماره ۹۴.
۵. کاویانی، سمیه و صانعی، مهدیه (۱۴۰۴). تحلیل حقوقی - اقتصادی ضمانت از منظر حقوق مصرف‌کننده خودرو. مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲۸ شماره ۱.
۶. نامداریان، لیلا و خدمتگزار، حمیدرضا (۱۴۰۳). بررسی نظام حکمرانی خدمات رسانه‌ای صوت و تصویر در ایران بر پایه نگاشت نهادی اسناد بالادستی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱۲، شماره ۴۸.

منابع انگلیسی

1. Baldwin, R., Cave, M., & Lodge, M. (۲۰۱۲). Understanding regulation: Theory, strategy, and practice. Oxford: Oxford University Press.

2. DeNardis, L. (۲۰۱۴). The global war for Internet governance. New Haven: Yale University Press.
3. Martens, B. (۲۰۱۶). An economic policy perspective on online platforms. European Commission, Joint Research Centre, Institute for Prospective Technological Studies, Seville, Spain.
4. Zuboff, S. (۲۰۱۹). The age of surveillance capitalism. New York: PublicAffairs.

سایر منابع

1. de Streel, A., Larouche, P., Krämer, J., & Monti, G. (۲۰۲۴). Effective use of economics in the EU Digital Markets Act. Journal of Competition Law & Economics, ۲۰(۲-۱), ۳۷-۳۲.
2. Dunne, N. (۲۰۲۰). Platforms as regulators (Working Paper).
3. Finck, M. (۲۰۱۷). Digital co-regulation: Designing a supranational legal framework for the platform economy. European Journal of Legal Studies.
4. Koop, C., & Lodge, M. (۲۰۱۷). What is regulation? An interdisciplinary concept analysis. Regulation & Governance, ۱۱(۱), ۴-۳.
5. Techopedia. (۲۰۲۳). What is e-commerce? Definition, types, and how it works.
6. Xero. (۲۰۲۵). Ecommerce business: Types and models of online business.
7. OECD. (۲۰۲۰). Regulatory impact assessment. Retrieved June ۱۶, ۲۰۲۶, from https://www.oecd.org/en/publications/۰۲/۲۰۲۰/regulatory-impact-assessment_bf۷۸a۰۰۳html

References

1. Aghaei Tavak, M. (2013). Analysis of "Economic Analysis of Law." *Comparative Law Studies*, 4(2). (in Persian)
2. Ansari, B., & Ansari, E. (2012). Information law from the perspective of economic analysis. *Comparative Law Studies*, 3(2). (in Persian)
3. Baldwin, R., Cave, M., & Lodge, M. (2012). *Understanding Regulation: Theory, Strategy, and Practice*. Oxford: Oxford University Press.
4. DeNardis, L. (2014). *The Global War for Internet Governance*. New Haven: Yale University Press.
5. de Streel, A., Larouche, P., Krämer, J., & Monti, G. (2024). Effective use of economics in the EU Digital Markets Act. *Journal of Competition Law & Economics*, 20(1-2).
6. Dadgar, Y. (2011). *An Introduction to Economic Analysis of Law* (2nd ed.). Tehran: Institute for Economic Research, Tarbiat Modares University and Nour-e Elm Publishing. (in Persian)
7. Dunne, N. (2020). *Platforms as Regulators*. Working Paper.
8. Finck, M. (2017). Digital co-regulation: Designing a supranational legal framework for the platform economy. *European Journal of Legal Studies*.
9. Ghasemi, M. (2024). *Economic Analysis of Law*. Tehran: SAMT Publishing. (in Persian)
10. Ghasemi, M., & Abdollahi Nisiani, M. (2021). Optimal economic regulation in the field of online platforms. No. 94. (in Persian)
11. Iranpour, F. (2022). *Foundations and Applications of Economic Analysis in Private Law* (2nd ed.). Tehran: Donya-e Eqtesad Publishing. (in Persian)
12. Kaviani, S., & Sanaei, M. (2025). Legal-economic analysis of guarantee from the perspective of automobile consumer protection. *Legal Research Journal*, 28(1). (in Persian)
13. Koop, C., & Lodge, M. (2017). What is regulation? An interdisciplinary concept analysis. *Regulation & Governance*, 11(1).
14. Martens, B. (2016). *An Economic Policy Perspective on Online Platforms*. European Commission, Joint Research Centre, Institute for Prospective Technological Studies, Seville, Spain.
15. Namdarian, L., & Khedmatgozar, H. R. (2024). An examination of the governance system of audio and video media services in Iran based on institutional mapping of upstream documents. *Strategic and Macro Policies Quarterly*, 12(48). (in Persian)
16. OECD. (2020). *Regulatory Impact Assessment*. Retrieved June 16, 2026, from the OECD website.
17. Rezaei, M. (2015). *The Gaps in Iranian Society*. Tehran: Agah Publishing. (in Persian)
18. Rostami, V., & Asgharnia, M. (2024). *Economic Regulatory Law* (1st ed.). Tehran: Mizan

Publishing. (in Persian)

19. Shams, E. (2020). Economic analysis of the civil liability and regulatory system in combating environmental pollution. *Judicial Legal Perspectives*, 91. (in Persian)
20. Shiravi, A. H. (2024). *Economic Law* (4th ed.). Tehran: SAMT Publishing. (in Persian)
21. Stiglitz, J. (2012). *Public Sector Economics* (M. M. Askari, Trans., 1st ed.). Tehran: SAMT Publishing. (in Persian)
22. Techopedia. (2023). *What Is E-Commerce? Definition, Types, and How It Works*.
23. Xero. (2025). *Ecommerce Business: Types and Models of Online Business*.
24. Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism*. New York: PublicAffairs